

## بررسی تاثیر مدیریت آموزشی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

ممد امین زاده

دبیر آموزش و پرورش شهرستان رشتتوار Aminzadeh@gmail.com

### چکیده

هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی تاثیر مدیریت آموزشی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی می باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهرستان زاوه در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ می باشد. که طبق آمار اخذ شده از آموزش و پرورش شهرستان تعداد کل دانش آموزان برابر با ۲۶۰ نفر بود. که از میان آنها ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه آماری به روش غیر تصادفی و در دسترس انتخاب شدند. که بعد از توجیه در مورد پژوهش در این مرحله تمامی آنان رضایت کامل خود را جهت پاسخ به پرسشنامه ها اعلام کردند، در آخر هم با جمع آوری پرسشنامه و حذف پرسشنامه های ناقص و مخدوش و هم چنین حذف داده های پرت، حجم نمونه آماری ۱۲۰ نفر تعیین گردید و بعد از اتمام پاسخ آزمودنیها پرسش نامه ها توسط پژوهشگر برای انجام عملیات آماری جمع آوری گردید. ابزار گردآوری اطلاعات را دو پرسشنامه استاندارد یادگیری فردی لورن (۱۹۹۷) و برای تعیین میزان پیشرفت تحصیلی از معدل دانش آموزان استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و تحلیل واریانس یک راهه به کمک نرم افزار آماری spss تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین مدیریت آموزشی کارآمد با یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد و مدیریت آموزشی مدیران پیش‌بینی کننده مثبت یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، مدیران، پیشرفت تحصیلی. دانش آموزان.

## ۱-مقدمه

کارایی و اثربخشی نظام آموزشی در گرو مدیریت اثربخش و کارآمد این نظام است. امروزه با توجه به تغییرات شگرف و بی‌سابقه‌ای که در اقتصاد، سیاست، علم و تکنولوژی بخصوص در چند دهه اخیر به وقوع پیوسته، وظایف و کارکردهای مدیریت به مراتب گسترده‌تر و پیچیده‌تر و دشوارتر از گذشته شده است. به طوری که تنها افرادی که از نظر حرفه‌ای برای این مسئولیت آموزش دیده و تربیت شده‌اند، با اثربخشی و کارایی قادر به انجام وظایف محوله خواهند بود به همین لحاظ مدیریت امروز براساس ویژگی‌هایی که دارد یک حرفه تخصصی تلقی می‌شود. (پرداختچی، ۱۳۷۴: ۵۵). اساساً نیاز به مدیریت در همه زمینه‌های اجتماعی امری لازم و ضروری است. منابع انسانی و مادی عظیم بدون هدایت و رهبری لایق، بزودی رو به نابودی می‌رود. اما در این بین مدیریت آموزشی به دلیل تأثیری که عملکرد آموزش و پرورش بر کلیه ارکان جامعه دارد از حساسیت ویژه‌ای نسبت به سایر مدیریت‌ها برخوردار است. از طرفی مراکز آموزشی بیش از هر نهاد دیگری با انسان سروکار دارد و از سوی دیگر در انتقال میراث فرهنگی جامعه از نسلی به نسل دیگر و آماده‌سازی زمینه برای باروری میراث فرهنگی، هیچ یک از عناصر جامعه به اندازه معلم سهم و نقش اساسی ندارد.

از جمله ویژگی‌های انسان، استعداد خاص او در یادگیری است. به یقین می‌توان گفت که پیدایش و بقای تمدن و فرهنگ انسان، به وجود استعداد یادگیری او بستگی داشته و یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت‌های اجتماعی در زندگی انسان، یادگیری است. کودک در آغاز، با برخی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فیزیولوژیک و غریزی، پا به دنیا می‌گذارد. از آن پس، به جز ظرفیت‌های غریزی و طبیعی نظیر رشد و نمو و بازتاب‌ها، آنچه شخصیت او را می‌سازد، حاصل یادگیری اوست. آموزش‌های خانواده، آموزش‌های مدرسه‌ای و آموزش‌های اجتماعی، همه قسمت‌هایی از زندگی او را تشکیل می‌دهند که تماماً یادگیری است. پس حیطه یادگیری گسترده است و رفتارهای تحصیلی و غیرتحصیلی را شامل می‌شود و در مدرسه و یا روان‌شناسانی هستند که یادگیری از دگرگونی‌های نسبتاً پایدار در توانایی، گرایش یا ظرفیت پاسخ‌دهی عنوان کرده‌اند. با این تعریف مشاهده می‌شود که یادگیری پیش از تغییر رفتار پدید می‌آید. البته موجود زنده زمانی می‌تواند پاسخ لازم را بدهد که توانایی و ظرفیت دادن پاسخ را دارا باشد. بسیار اتفاق افتاده است که معلم موضوعی مانند حل مساله را می‌خواهد به شاگرد بیاموزد که مشهود نیست انسان فقط نتیجه اندیشیدن یا حل مساله را مشاهده می‌کند، نه فرایندهای ظاهری آنها را. در این مورد علاقه معلم این است که شاگرد توانایی و استعداد انجام دادن رفتار را به نحو خاصی پیدا کند تا رفتار نمایان و معینی را. ممکن است ادعا شود که حل مساله عبارت از یک رشته الگوهای پاسخ‌دهی مشخص است و پاسخ‌ها نهان هستند تا نمایان. اما در حقیقت وقتی شاگرد چیزی می‌آموزد فقط رفتارش تغییر نمی‌یابد، بلکه استعداد پاسخ دادن او در اوضاع و احوال آینده نیز تغییر پیدا می‌کند. با توجه به موارد بالا تا اینجا روشن شد که یادگیری دارای دو تعریف است: یکی به تغییر رفتار نمایان و دیگری به استعداد یا توانمندی در پاسخ دادن اختصاص می‌یابد (سیف، ۱۳۹۱، ص ۲۴۵). پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس آرایه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می‌دانند که به وسیله‌ی آزمون‌های استاندارد شده، اندازه‌گیری می‌شود (سیف، ۱۳۸۴). فهم تفاوت‌های فردی در رابطه با سطوح موفقیت‌ها و پیشرفت‌های تحصیلی همیشه یکی از دغدغه‌های روان‌شناسان تربیتی بوده است. فهم عوامل تأثیرگذار بر موفقیت‌های تحصیلی در فرآیند آموزش و یاددهی بسیار حائز اهمیت است، چراکه مدرسان متعددی علاقمندند تا بتوانند تشخیص دهند که مواد آموزشی مورد نظرشان را چه کسانی می‌توانند به خوبی یاد بگیرند و چه گروهی قادر به این امر نخواهند بود؛ از این رو، محققان در تلاش‌اند تا عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی را دریابند و به تبع آن بتوانند با گنجاندن برنامه‌های در جهت ارتقای این عوامل، سطوح موفقیت‌های تحصیلی را در دانش‌آموزان ارتقا ببخشند. موفقیت تحصیلی تحت تأثیر یک عامل نیست، بلکه عوامل متعددی نظیر استعداد تحصیلی (لاولرویجن، ۱۹۹۷)، عوامل شناختی از جمله هوش عمومی (گدرلا، ۱۹۹۷)، خودکارآمدی تحصیلی (وانگ، ۱۹۹۸)، راهبردهای خودتنظیمی (گربن، ۱۹۹۶؛ به نقل از آکینب، ۲۰۰۵)، ساختار کلاس درس (مایا، ۲۰۰۱) انگیزش تحصیلی (آگورولو و آلبرگ، ۱۹۷۹)، توانایی یادگیرندگان، آموزش معلمان، و انگیزش یادگیرندگان (کیت و کول، ۱۹۹۷) بر روی آن تأثیر دارند. در واقع، این عوامل و متغیرها در هم تنیده‌اند و با یکدیگر کنش متقابل دارند که تعیین نقش و

سهم هر یک به دشواری امکان پذیر است (گلمن، ۱۹۹۵، فلوری، ۲۰۱۰، ۲۰۰۳). تحقیقات نشان داده اند که قابلیت‌های شناختی یکی از تاثیرگذارترین عوامل در عملکرد تحصیلی است (آکرمن و هجستاد، ۱۹۹۷؛ آکانر و پائونون، ۲۰۰۷)، اما توانایی‌های شناختی به تنهایی نمی تواند تفاوت‌های فردی در کسب موفقیت‌های تحصیلی را توجیه کند (چامورو و فورنهام، ۲۰۰۶). از این رو، محققان در تلاش اند تا پیش‌بین‌گرهای غیرشناختی موفقیت‌های تحصیلی را شناسایی کنند، عوامل شخصیتی یکی از این عوامل غیرشناختی تاثیر گذار بر کیفیت عملکرد تحصیلی می باشد (آکانر و پائونون، ۲۰۰۷). برخورداری از درجات متفاوت ویژگی‌های شخصیتی به تناسب بر احساسات، بازخوردها و رفتارها تاثیر می گذارد. برای مثال، افرادی که در بعد نوزگرایی نمرات بالای کسب می کنند، آمادگی بیشتری برای تجربه هیجان‌های ترس، غم، خشم و احساس گناه دارند (هسلم و همکاران، ۲۰۰۹؛ پتریدس و همکاران، ۲۰۱۰). برعکس، افرادی که در مقیاس برونگرایی نمره بیشتر می گیرند، عموماً شادتر، سرزنده تر، با انرژی تر، خوش بین تر و فعال ترند (رامستد و همکاران، ۲۰۱۰). ساختار شخصیت براساس مدل‌های مختلف تبیین شده است. مدل سه بعدی شخصیت (آیزنک، ۱۹۸۵)، شامل ابعاد برونگرایی، نوزگرایی و روان‌پیش‌گرایی، و مدل پنج عاملی شخصیت (کاستا و مک کرا، ۱۹۹۲؛ اسویکرت و همکاران، ۲۰۱۰) شامل ابعاد نوزگرایی، برونگرایی، تجربه پذیری، همسازی و وظیفه شناسی، با پشتوانه نظری، تجربی و پژوهشی، از معتبرترین و مشهورترین مدل‌های شخصیت محسوب می شوند (کوماراجو و همکاران، ۲۰۰۹؛ هسلم و همکارا، ۲۰۰۹). بررسی خلاقیت در حوزه هیجان‌ها یا یادگیری توجه بسیاری را به خود معطوف کرده است. این مفهوم را آوریل و همکاران (۱۹۹۴) همزمان با مفهوم یادگیری سالوی و مایر (۱۹۹۰) مطرح کردند. آوریل و نانلی (۱۹۹۲) در تعریفی ابعاد و عناصر این نوع خلاقیت را تعیین کردند. برابر این تعریف: "یادگیری عبارت است از ابراز خود به روشی بدیع که براساس آن خطوط فکری فرد بسط یافته و روابط بین فردی او افزایش یابد. مطابق این تعریف بداعت، اثربخشی و صداقت سه عنصر اصلی یادگیری محسوب می شوند (سالوی و مایر، ۱۹۹۰). همچنین، برخی از متخصصان بر این امر تأکید می کنند که بین متغیرهای مدیریت و پیشرفت تحصیلی در دوره های مختلف سنی در میان دانش آموزان ارتباط نزدیکی وجود دارد، به گونه ای که با افزایش یا کاهش یک متغیر، تغییراتی در متغیر دیگر به وجود می آید (سالوی و همکاران، ۲۰۰۲). در همین خصوص، فردریکسون و فورنهام (۲۰۰۴) بنابراین هدف تحقیق حاضر بررسی ارتباط مدیریت آموزشی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان متوسطه اول است تا تاثیر مدیریت آموزشی برعوامل یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را مشخص نماید.

### روش شناسی

هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی تاثیر مدیریت آموزشی بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان متوسطه اول می باشد. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی می باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه اول شهرستان زاوه در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ می باشد. که طبق آمار اخذ شده از آموزش و پرورش شهرستان تعداد کل دانش آموزان برابر با ۲۶۰ نفر بود. که از میان آنها ۱۴۰ نفر به عنوان نمونه آماری به روش غیر تصادفی و در دسترس انتخاب شدند. که بعد از توجیه در مورد پژوهش در این مرحله تمامی آنان رضایت کامل خود را جهت پاسخ به پرسشنامه ها اعلام کردند، در آخر هم با جمع آوری پرسشنامه و حذف پرسشنامه های ناقص و مخدوش و هم چنین حذف داده های پرت، حجم نمونه آماری ۱۲۰ نفر تعیین گردید

### ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه استاندارد یادگیری فردی لورن

پرسشنامه استاندارد یادگیری دارای ۱۹ سوال می باشد که توسط لورن و همکارانش در سال ۱۹۹۷ طراحی و تهیه گردیده است و هدف از این پرسشنامه بررسی یادگیری فردی در فرآیند ادراک شده و تفسیر را می سنجند.<sup>۱</sup> پایایی و روایی پرسشنامه

<sup>۱</sup> Nemeth Lorraine S, Measuring Organizational Learning, March 1997

در این تحقیق ۰/۷۹ برآورد گردید. جهت سنجش پیشرفت تحصیلی از معدل دانش آموزان استفاده شد.

### روش اجرا

ابتدا محقق برای جمع آوری داده های تحقیق به اداره آموزش و پرورش شهرستان زاوه مراجعه کرد و مجوز و فهرست مدارس مورد مطالعه را اخذ نمود. سپس با هماهنگی قبلی به مدارس انتخاب شده مراجعه نمود و ضمن توضیح اهداف تحقیق و توجیه دانش آموزان به ترتیب پرسشنامه یادگیری را در بین دانش آموزان توزیع و آنها را بعد از تکمیل جمع آوری کرد.

### روش تحلیل داده ها

برای تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، و انحراف معیار؛ و آمار استنباطی شامل آزمونهای  $t$ ، ضرایب همبستگی و تحلیل رگرسیون همزمان در سطح ۰/۰۵ استفاده شد.

### یافته ها

#### تحلیل های آماری توصیفی

استفاده از آمار توصیفی به منظور تلخیص اطلاعات جمع آوری شده و شناخت بیشتر جامعه مورد بررسی صورت پذیرفته است و هدف آن نیز توصیف، استخراج نکات اساسی و ترکیب داده ها به کمک زبان اعداد می باشد. توجه داشته باشید که نتایج به دست آمده در آمار توصیفی را نمی توان به کل جامعه آماری گسترش داد. البته با عنایت به مقیاس اندازه گیری متغیرهای تحقیق آماری توصیفی در دو بخش ارائه شده در بخش اول ویژگی های جمعیت شناختی و در بخش دوم آماره های توصیفی متناظر با متغیرهای تحقیق ارائه می شود.

#### توصیف متغیرهای پژوهش

جدول شماره ۱ (۱): توصیف خرده مقیاس متغیر یادگیری

یادگیری	تعداد سوالات	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار
یادگیری	۱۷	۱۲۰	۲۱	۷۶	۵۹,۶۲	۹,۷۴

با توجه به جدول شماره ۱ (۱)، نشان می دهد که نظر پاسخ دهندگان به پرسشنامه یادگیری (  $SD=۹,۷۴$  و  $m=۵۹,۶۲$  ) را دارد.

جدول شماره ۲ (۲): توصیف خرده مقیاس متغیر پیشرفت تحصیلی

مولفه های پیشرفت تحصیلی	تعداد سوالات	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار
یادگیری	۵	۷۵۵	۶	۲۲	۱۳,۷۵	۳,۸۹
خلاقیت	۵	۷۵۵	۵	۲۰	۱۲,۴۵	۳,۴۱
پیشرفت	۵	۷۵۵	۵	۲۱	۱۳,۳۲	۳,۲۳

با توجه به جدول شماره ۲ (۲)، نشان می دهد که نظر پاسخ دهندگان به پرسشنامه پیشرفت تحصیلی به ترتیب بازخورد بیشترین میانگین به عامل یادگیری (  $SD=۳,۸۹$  و  $m=۱۳,۷۵$  ) و پیشرفت کمترین میانگین (  $SD=۳,۲۳$  و  $m=۱۳,۳۲$  ) را دارد.

#### تحلیل داده ها

#### آزمون نرمال بودن

برای آزمون نرمال بودن از خطای استاندارد ضریب چولگی که نسبت ضریب چولگی به خطای استاندارد آن است استفاده شده است. اگر کوچکتر از ۲- یا بزرگتر از ۲ باشد نرمال بودن رد می شود (مومنی، ۱۳۸۹).

جدول شماره ۳) آزمون نرمال بودن متغیرها

متغیر	کشیدگی	چولگی	تعداد	نتیجه
یادگیری	۰,۲۴۵	۰,۴۲۱	۷۵۵	نرمال است
پیشرفت تحصیلی	۰,۱۸۹	۰,۳۷۵	۷۵۵	نرمال است

#### آزمون فرضیه پژوهش

بین مدیریت آموزشی کارآمد مدیران با پیشرفت تحصیلی و یادگیری دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳) : نتایج ضریب همبستگی بین مدیریت آموزشی کارآمد مدیران با یادگیری دانش آموزان

متغیرها	یادگیری	خلایقیت	پیشرفت	پیشرفت تحصیلی
عامل درون فردی	۰,۶۷**	۰,۶۵**	۰,۶۴**	۰,۶۶**
عامل بین فردی	۰,۵۹**	۰,۵۵**	۰,۵۴**	۰,۵۶**
عامل سازگاری	۰,۶۴**	۰,۶۳**	۰,۶۰**	۰,۶۲**
عامل مدیریت استرس	۰,۵۹**	۰,۵۸**	۰,۵۵**	۰,۵۷**
عامل خلق عمومی	۰,۶۸**	۰,۶۲**	۰,۵۸**	۰,۶۱**
یادگیری	۰,۶۹**	۰,۶۸**	۰,۶۴**	۰,۶۷**

\*\*P< ۰/۰۵ \*P< ۰/۰۱

نتایج جدول شماره ۳) نشان می دهد که بین مدیریت آموزشی کارآمد مدیران مدارس با یادگیری دانش آموزان

( $r=0.69$  و  $p<0.01$ )، و پیشرفت تحصیلی آنان ( $r=0.67$  و  $p<0.01$ )، رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: مدیریت آموزشی کارآمد پیش بینی کننده یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مدارس است.

جدول شماره ۴) ضریب همبستگی متغیر مدیریت آموزشی کارآمد پیش بینی کننده یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی تعدیل شده	خطای معیار برآورد
۰,۲۳۸	۰,۰۵۵	۰,۰۴۸	۱۷,۴۲۱

این جدول مقادیر ضریب همبستگی و مجدور ضریب همبستگی را نشان می دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) برابر است با ۰,۲۳۸، اشاره دارد به همبستگی ساده بین دو متغیر و به عبارتی شدت همبستگی بین دو متغیر را نشان می دهد. همان طور که از مقدار R (همبستگی پیرسون بین دو متغیر) نمایان است، بین دو متغیر مدیریت آموزشی و یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان همبستگی وجود دارد.

مقدار مجدور ضریب همبستگی ( $R^2$ ) نشان می دهد که چه مقدار از متغیر وابسته یعنی یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، می تواند توسط متغیر مستقل یعنی مدیریت آموزشی، تبیین شود. متغیر مدیریت آموزشی می تواند ۰/۰۵۵ درصد از تغییرات متغیر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را تبیین کند.

<sup>1</sup> Standard Error of skewness

## بحث و نتیجه گیری

از آن جایی که پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان یکی از مهمترین ملاک‌های ارزیابی عملکرد معلمان محسوب می شود برای دانش آموزان نیز معدل تحصیلی معرف توانای یهای علمی آن ها برای ورود به دنیای کار و اشتغال و مقاطع تحصیلی بالاتر است؛ بنابراین نظریه پردازان تربیتی بسیاری‌ها از پژوهش های خود را بر شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی تمرکز کرده اند (درتاج، لک پور و بهلولی، ۱۳۹۲).

در دهه های اخیر تلاشهای زیادی در کشور در خصوص کیفیت بخشی به کار مدیران مدارس صورت گرفته تا روشهای کلیشه ای و سنتی آموزشی جای خود را به روشهای تازه و بدیع و مبتنی بر نیازهای فردی و اجتماعی دانش آموزان دهد. آنان را خلاق و تولید کننده علم و دانش، پرورش داده و دریچه های نوینی را در زمینه علوم و تکنولوژی در کشور بگشاید. تغییرات نظام آموزشی و کتب درسی دانش آموزان نیز در همین راستا صورت گرفته است. ایفای نقش رهبری به عنوان جوهره مدیریت مدارس شناخته شده است. بنابراین در نظام سازمانی مدرسه، تحول نظام ارزشی یادگیرنده ها از جمله اهداف سازمان های آموزشی قلمداد می شود. پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش ها در این نظام در واقع تلاش برای جامه عمل پوشاندن بدین امر تلقی می شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان جایگاه آنها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آن چنان که باید پیشرفت و تعالی یابند (پورشافعی، ۱۳۷۰). بدون شک در دنیای پیشرفته امروزی یکی از علایم موفقیت فرد، پیشرفت تحصیلی می باشد که بدون آن توسعه و ترقی هیچ کشوری امکان پذیر نخواهد بود. ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علوم و دانش و تکنولوژی آن کشور دارد و پیشرفت علمی نیز حاصل نمی شود مگر این که افراد خلاق تربیت شده باشند، پیشرفت تحصیلی ضمن این که در توسعه و آبادانی کشور مؤثر است در سطوح عالی منجر به یافتن شغل و موقعیت مناسب و در نتیجه درآمد کافی می شود. دانش آموزان و دانشجویان که از موقعیت های تحصیلی برخوردارند، خانواده و جامعه با دیده ی احترام به آنان می نگرند. در جامعه با روحیه و نشاط بیشتری حضور خواهند یافت و در کنار این ها از هزینه های گزافی که از افت تحصیلی برآموزش و پرورش تحمیل می شود، کاسته خواهد شد. دستیابی به بهره وری و بهبود کیفیت نظام آموزشی را می توان اثر گذار ترین عامل در توسعه کشور ها دانست. تجارب کشورهای پیشرفته ای چون ژاپن در زمینه توسعه همه جانبه نیز حکایت از سرمایه گذاری بر روی منابع آموزشی و انسانی دارد. در راستای دستیابی به این اهداف بهبود کیفیت موقعیت تحصیلی از جمله اهداف اساسی برنامه های آموزشی است. در حالی که امروزه افت تحصیلی یکی از نگرانی های خانواده ها و دست اندرکاران تعلیم و تربیت است. از جمله موضوعات مورد علاقه صاحب نظران علوم تربیتی یافتن شرایط و امکانات لازم و موثر در جهت تحصیلی موفق و پیشرفت تحصیلی است. اما عدم موفقیت در تحصیل زمینه ساز مشکلات فردی و اجتماعی و انحراف از دستیابی به اهداف سیستم آموزش است. محققین عوامل مختلفی را در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دخیل دانسته اند. اما با توجه به تفاوت های فرهنگی و تغییرات سریع عوامل در طول زمان نمی توان به عنوان یک قانون عمومی و کلی، علل خاصی را برای جوامع مطرح نمود. زیرا قوانین بافت فرهنگی و نسبت جامعه، نگرش مردم به تحصیلات، سطح درآمد والدین و غیره، همه از عواملی هستند که به طور اخص در یک جامعه بر شکست یا موفقیت تحصیلی تأثیر می گذارند. منابع موجود نشان می دهد که آموزش به طور کلی تحت تأثیر پنج عامل فراگیر آموزش گر، برنامه، تجهیزات و محیط آموزشی است که هر یک از عوامل مذکور دارای ویژگی هایی است که می توانند در پیشرفت تحصیلی و یادگیری تأثیرات متفاوتی داشته باشند (سیف، ۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی را می توان در سه سطح فردی، خانوادگی، آموزشی در نظر گرفت. ارتباط با مدرسه به این دلیل نیز که موجب می گردد تا والدین از وضعیت تحصیلی، برنامه ریزی آموزشی و نیازهای فرزندانشان بهتر و بیشتر آگاه شوند و اطلاعاتی را بدست آورند که برای ارائه نقش تربیتی بهتر خانواده لازم و ضروری است. برخی والدین به دلیل عدم آشنایی کافی با نیازهای واقعی و ویژگی های سنی فرزندانشان در سنین مختلف و عدم اطلاع از وضعیت تحصیلی آنان نمی توانند نقش های نظارتی و حمایتی خود را به طرز صحیحی اجرا نمایند و

نه تنها موجب بروز افت تحصیلی در فرزندان خود می شوند، بلکه روز به روز از فرزندان خود نیز به دلیل عدم شناخت کافی از آنان فاصله می گیرند. ارتباط مستمر با مدرسه و شرکت منظم در جلسات انجمن اولیاء و مربیان و شرکت در کلاس های آموزشی مناسب برای آشنایی با ویژگی ها و نیازهای فرزندان در دوره های سنی مختلف و آشنایی با برنامه ریزی آموزشی این گروه سنی، راهکار مناسبی است برای تقویت بعد نظارتی و حمایتی خانواده ها در برابر فرزندان که امیدواریم مورد توجه خانواده ها قرار گیرد (هاشمی رکاوند، ۱۳۷۷).

پژوهش های آکو بویرو و جوشوا (۲۰۰۴) نشان داد که پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه را می توان براساس خود پنداره و نگرشی دانش آموزان به فعالیت های تحصیلی پیش بینی کرد (پارکر و همکاران، بار-آن، ۱۹۹۹ به نقل صاحب، ۱۳۸۹). پژوهش های بس (۲۰۰۴) حاکی از آن است که نگرش مثبت دانش آموزان نسبت به دروس آموزشی بر پیشرفت تحصیلی آنان در این درس ها تأثیر مثبت می گذارد. علاوه بر نگرش دانش آموز نسبت به مدرسه، نگرشی او نسبت به توانایی و شایستگی خود در انجام دادن تکالیف درسی، اغلب با انگیزه و پیشرفت و عملکرد تحصیلی بهتر همراه است. چنان که پژوهش های گسترده بندورا (۱۹۹۷) در این زمینه شواهدی را مطرح می سازد که نشان می دهد خود توانایی انگیزه، دانش آموز را برای تلاش در راه پیشرفت تحصیلی بر می انگیزد. این متغیر نه تنها در پیشرفت تحصیلی بلکه در موفقیت زندگی نیز نقش مهمی را ایفا می کند. مهارت ها و توانایی های هیجانی و اجتماعی که تحت عنوان یادگیری مشهورند، از جمله پیش بینی کننده های قوی پیشرفت تحصیلی هستند. یادگیری یک سری از توانایی ها و مهارت های غیرشناختی است. (برای مثال: توانایی کنترل احساسات و هیجانات در خود و دیگران، پذیرائی دیدگاه سایر افراد و کنترل روابط اجتماعی) که توانایی فرد را در مقابله با فشارها و اقتضاهای محیطی افزایش می دهد (بار-اون، ۱۹۹۷). تحقیقات انجام شده در مورد ارتباط یادگیری و پیشرفت تحصیلی به طور کلی بیانگر نقش معنادار یادگیری در پیشرفت تحصیلی است (پارکر و همکاران، ۲۰۰۴، براکت و سالوی، ۲۰۰۴، الیاسی و همکاران، ۲۰۰۳، میرس شات و همکاران ۱۹۹۸، بار-اون ۱۹۹۷: استوارت، ۱۹۹۶، به نقل از صاحب، ۱۳۸۹). در یک رویکرد مهم تأثیر فرآیندهای محیط خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی مطرح است. پژوهش هایی که براساس این رویکرد انجام شده، حاکی از رابطه میان سبک فرزند پروری و عملکرد تحصیلی است، کودکانی که در خانواده های قاطع پرورش می یابند، نمره پیشرفت تحصیلی بالاتری را در مقایسه با فرزندان سایر سبک های خانوادگی کسب می کنند (استرنبرگ و همکاران، ۱۹۸۹؛ به نقل صاحب، ۱۳۸۹). در واقع پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان یکی از مهمترین ملاکهای ارزیابی عملکرد معلمان محسوب می شود. برای دانش آموزان نیز معدل تحصیلی معرف توانای یهای علمی آن ها برای ورود به دنیای کار و اشتغال و مقاطع تحصیلی بالاتر است؛ بنابراین نظریه پردازان تربیتی بسیار یها از پژوهش های خود را بر شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی تمرکز کرده اند (درتاج، لک پور و بهلولی، ۱۲). در مطالعه حاضر بین مدیریت آموزشی و مولفه های آن با یادگیری و پیشرفت تحصیلی ارتباط معنی داری مشاهده شد. همچنین در مطالعه فوق مشاهده شد که بین رابطه مدیریت آموزشی با پیشرفت تحصیلی ارتباط مثبتی وجود دارد. در این زمینه، کنراد (۲۰۰۶) و فارسیدس و وودفیلد (۲۰۰۳) بیان می کنند که رگه باز بودن نسبت به تجربه با موفقیت و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت دارد. دی فرویت و مرویلد (۱۹۹۶)؛ نقل از دیست، ۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که رابطه گشودگی با پیشرفت تحصیلی به ویژه در دانش آموزان دختر منفی است.

#### منابع:

شهامت، نادر و استواری، سارا (۱۴۰۰) یادگیری الکترونیک و کاربرد آن در آموزش و یادگیری، چهارمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان، <https://civilica.com/doc/1452597>  
جمال آبادی، پریسا، میرشاهی، فرزاد، بهشتی پور، حسین (۱۳۹۵) یادگیری و جایگاه آن در ارتباطات اثربخش، کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین، آلمان  
سیف، جواد (۱۳۸۴). ویژگی های شخصیتی تیزهوشان، تهران: نشر سمپاد.

- سیدان، ابوالقاسم، خوشایند، حمیده. (۱۳۹۷). نقش میانجی‌گری یادگیری در ارتباط بین سبک زندگی با کیفیت زندگی کاری معلمان. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*: doi: 10.30418/61(6.1), 231-238.
- Beghetto, R. A. (2007). Does creativity have a place in classroom discussions? Prospective teachers' response preferences. *Thinking Skills and Creativity*, 2 (1), pp 1-9.
- Biosatto, L. C., Coplan, R. J., Bowker, A. (2000). Keeping it all inside: Shyness, internalizing coping strategies and socio-emotional adjustment in middle childhood. *International Journal of Behavioral Development*, 33 (1), 47-54.
- Dawda and Hart, G. A., Holland, M. L. (2002). Emotional and behavioral problems of young children: Effective interventions in the preschool and kindergarten years. New York: Guilford press.
- Defabio, J. A., Noller, P. (2009). Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. *Journal of personality and social psychology*, 58, 282-292.
- Diset, A. M., Daubman, K. A. (2003). The influence of positive affect on categorization. *Journal of Personality and Social Psychology*, 47(6), 1206-1217.
- Eisenberger, R., Rhoades, L. (2001). Incremental Effects of Reward on Creativity, *Journal of Personality and Social Psychology*, 81(4), 728-741.
- Faeian, N. A., Turner, S. M., Biedel, D. C. (2003). Shyness: Relationship to social phobia and other psychiatric disorders. *Behaviour research and Therapy*, 41, 209-221.
- Fersidez, M., Wofield, A. (2003). Intelligence and personality as predictors of divergent thinking: the role of general, fluid and crystallised intelligence. *Thinking Skills and Creativity*, 4(1), 60-69.
- Fodor, E. M., Carver, R. A. (2002). Achievement and Power Motives, Performance Feedback, and Creativity, *Journal of Research in Personality* 34 (4), 380-396.
- Green, N. E. (2001). Parenting and academic socialization as they relate to school readiness: The roles of ethnicity and family income. *Journal of Educational Psychology*, 93, 686-697.
- Hunn, J., Prochner, L. (2002). Chinese parenting styles and children's self-regulated learning. *Journal of Research in Childhood Education*, 18, 3, 227-238.
- Kenard, A. M. (2006). Positive affect. In T. Dalgleish & M. Power (Eds.), *The handbook of cognition and emotion* (pp 521-539). Sussex, England: Wiley.
- Lansbery, R.J., Girardi, A., Findlay, L.C., Frohlick, S.L. (2004). Understanding solitude: Young children's attitudes and responses towards hypothetical socially-withdrawn peers. *Social Development*, 16, 390-409.
- Lepfge - Less, H., Ladd, G. (2003). Anxious solitude and peer exclusion: A diathesis stress model of internalizing trajectories in childhood. *Child Development*, 74, 257-278.
- Lidra, A. M. (2007). Positive affect and decision making. In M. Lewis & J. M. Haviland (Eds.), *Handbook of emotions* (pp 261-277). New York: Guilford Press.
- Lumsdaine, E. Lumsdaine, M. (1995). *Creative Problem Solving*, McGRAWHILL, INC.
- Melissa, R. M. E., Otten, R., Vries, H De., Engels, R. C. M. E. (2007). Personality and parenting style in parents of adolescents, *Journal of Adolescence* 33, 395-402.
- Nousam, K. W., Frost, R. O., Harmatz, M. G. (2000). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences* 32, 317-327.
- Permusik, J. Furham (2003) Children's psychological development as a function of the inaccuracy of their mother's knowledge of their abilities, *Journal of Genetics psychology*, 136, 285-298.
- Permusik, J. Parskevopolous, J. (2005). Children's psychological development as a function of the inaccuracy of their mother's knowledge of their abilities, *Journal of Genetics psychology*, 136, 285-298.



Petridz, B. Hatton, S. C. (2008). The relationship between parenting factors and trait anxiety: Mediating role of cognitive errors and metacognition, *Journal of Anxiety Disorders* 22, 722-733.

Salovy, M, Mayer, B, (2002). Styles of parent-child interaction and moral reasoning in adolescence. *Merrill-Palmer Quarterly*, 39, 551-570.

Wagerman, B., and Fander, A. (2007). The universalization of creativity. In Craft, A., Jeffrey, B., and Leibling, M. (Eds.) *creativity in education continuum*.